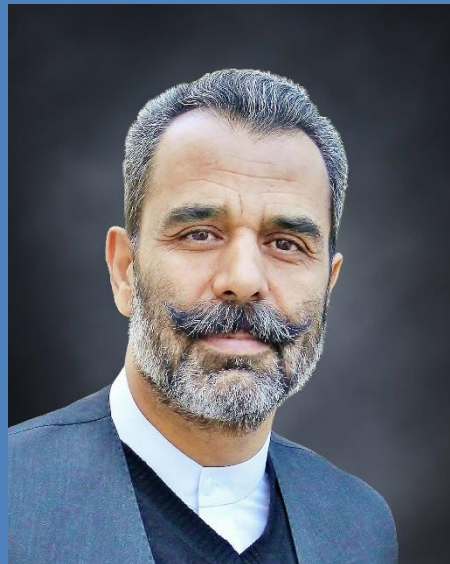


حکومت سرپرست  
در دیموکراسی ریاستی  
بدیل حکومت های ناکام  
و حکومت در وقت انتخابات  
پیشنهادها برای افغانستان



نور رحمان لہوال

## فهرست

2	مقدمه
2	ارزیابی حقوقی حالت و حکومت فعلی
5	ارزیابی سیاسی و فقدان قانون سازی در حالت و حکومت فعلی
7	میکانیزم ها و راهکار های مناسب برای عبور از بحران بعد از اول جوزا سال ۱۳۹۸
7	راهکار اول همه شمول: حکومت سرپرست از راه انتخابات بین نامزدان ریاست جمهوری+مخالفین
7	اول: حکومت مؤقت یا عبوری، provisional یا Interim حکومت
7	دوم: حکومت سرپرست Caretaker government
9	استخدام حکومت سرپرست
10	فواید این راهکار
10	نقایص این راهکار
10	راهکار دوم: رییس جمهوری فعلی به گونه رئیس جمهوری سرپرست
11	فواید این راهکار
11	نقایص این راهکار
11	راهکار سوم: رئیس مشرانو جرگه به گونه رئیس جمهوری سرپرست
12	فواید این راهکار
12	نقایص این راهکار
13	چرا حکومت سرپرست در افغانستان؟
15	خطرات در ماندن ای حالت

# در دیموکراسی ریاستی

## بدیل حکومت های ناکام

### و حکومت سرپرست در وقت انتخابات

#### پیشنهادها برای افغانستان

نوررحمان لېوال

#### مقدمه

در تاریخ ۱ جوزا، سال ۱۳۹۸ کشور با مشکلات حقوقی، قانونی و سیاسی رو برو میگردد که ثبات سیاسی را بدتر خواهد کرد، جای که ثبات سیاسی نه باشد در آنجا صلح و امنیت نه میباشد و در عدم موجودیت صلح و امنیت انکشاف ناممکن می باشد. حکومت وحدت ملی اصل دیموکراسی را به مخاطره انداخته که خواست های مبهم و نامعلوم آن ملت افغانستان را به حالت تصادم مواجه کرده است، حالا ما ملت، حکومت و سیاسیون کشور را آگاه میسازیم که بیایید پیشگیرانه باشیم و واکنش پذیری که از صدها شویه عملی در جهان سوم بوده بیرون آییم و نه گذاریم که حکومت شکل غیرقانونی مستبد و دیکتاتور را بگریزند. بدین منظور دروغ های واهی حکومت که گویا این حکومت بدیل ندارد این ذهنیت حکومت را مجبور خواهد کرد که بقا خود را در حالت اضطرار و انارشیزم جستجو کند و دیموکراسی جوان را خدشه دار سازد. از این حالت دشمنان افغانستان استفاده سو نموده و کشور را به بحران پیچیده تر ببرند که سر و مال هموطنان را به زیان های گوناگون رو برو خواهد کرد. این بسیار موضوع حیاتی برای ملت بوده که از راه منطق و قانون به گونه اساسی در مورد بحث شود تا راه بیرون رفت همه شمول را دریابیم.

حالا تعلق به سرکشان حکومت وحدت ملی میگردد که خود و ملت را به خطر مواجه میکنند و یک دهه دیگر شرمناک تاریخ را آغاز میکند یا برای صلح و امنیت از حکومت ۶ ماه غیرقانونی میگذرند، اگر گذشت کنند قهرمان صلح، دیموکراسی و انکشاف خواهند شد.

به سراحت گفته میتوانیم که در قدرت ماندن با خطرات ناگوار مواجه میشوند و در نتیجه از قدرت نیز دست بردار میشوند، چون مخالفین با این حکومت صلح نه میکنند و حکومت نیز منافع خود را در صلح نه می بنید. شاید رئیس جمهور برای بقای قدرت از ماده ۱۴۷ حالت اضطرار استفاده کنند، تا بعد از ۱ جوزا در قدرت باشد و این عمل ناگوا خواهد بود، بنابر همین و مشکلات دیگر میپردازیم به ارزیابی حقوقی این حالت و حکومت.

#### ارزیابی حقوقی حالت و حکومت فعلی

در نظام های مردم سالار که حاکمیت، مربوط مردم می شود، قدرت جهت اعمال آن بر اساس یک قرار داد اجتماعی به افرادی منتقل می شود که واجد آن باشند لهذا در این قرارداد عنصر زمانی اهمیت زیاد داشته و تفاوت مهمی میان نظام

های توتالیتر، شاهی و مردم سالار شمرده می شود که ملت بطور موکل آن رابه وکیل (رئیس جمهور) از بابت رایدهی میدهد.

در بند ۲ ماده ی ۲۱ قانون اساسی افغانستان، مدت زمان ریاست جمهوری، چنین مشخص شده است و وظیفه ی رئیس جمهور در ۱ جوزا سال ۵ بعد از انتخابات پایان می یابد از این منظر بعضی قید حکم بالا (بعد از انتخابات) را چنین تفسیر می کنند که انتخابات (به هر دلیلی که باشد) صورت نگرفته، بنابراین، دوره ی ریاست جمهوری تمدید می شود. براساس همین تعبیر در سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴ مدت کار رئیس جمهور کرسی غیر قانونی طولانی شد بشمول انگاری شبیه آن در مورد ولسی جرگه نیز موجود است. بند ۲ ماده ی ۸۳ قانون اساسی پایان کار شورای ملی را نیز در ۱ ماه سرطان سال ۵، پس از پایان اعلام انتخابات مختوم می داند. به لحاظ همین برداشت، بر اثر عدم انتخابات دوره ی ۱۲ تقنینی در وقت آن ۸ سال شد و ۳ سال بیشتر از موده قانونی ۵ سال آن در برگرفت. اگر فقط همین احکام (فقره های ۱ ماده های ۲۱ و ۸۳)، معیار قرارگیرند همان گمان را به وجود می آورند! اما در این جا پرسش های اساسی به میان می آید که این تفسیر پاسخگو آن نیست به گونه ی مثال:

- اگر رئیس جمهور عمداً انتخابات را برگزار نمی کند تا در قدرت باقی بماند و به بهانه های مختلف آن را به تعویق می اندازد سرنوشت قرارداد ریاست جمهوری (وکالت) میان مردم (ملت) و شخص رئیس جمهور (وکیل) چه می شود که در آن آراء را برای وکالت ۵ سال به کار گرفته بودند؟ قابل یادآوری است که بدون رضایت موکل هیچ محاکمه موده وکالت را تمدید کرده نمیتوان.
- در چنین حالتی چه تفاوتی میان رئیس جمهور منتخب و یک دیکتاتور که مشروعیت را از مردم نگرفته است وجود دارد؟
- به گونه ی مثال ممکن رئیس جمهور بخواهد انتخابات را برگزار کند اما براساس ضعف مدیریتی یا فقدان امکانات مالی قادر به برگزاری انتخابات نمی شود. به دلیل همین ضعف کشور در بحران می ماند بنابراین آیا منطقی به نظر می رسد که مدت کار چنین رهبر ضعیف (رئیس جمهور) (وکیل ملت) براساس قیدی تمدید شود که انتخابات صورت نگرفته است؟
- آیا چنین شخصی که ناتوانی های آن خلا را به میان آورده جهت جلوگیری از خلای قدرت به کار ادامه دهد، یا بستر برای شخص توانا در پرتو حکومت سرپرست مساعد شود، تا دیموکراسی و ملت تقویت شود. در چنین حالتی که فرد باعث خلای قدرت می شود و توان برگزاری انتخابات را ندارد و به تصور پایان چنین وضعی هم نیست سرانجام چنین نظامی چی خواهد شد؟

پرسش بالا با در نظر داشت این تفسیر قابل حل نیست که بنا بر عدم برگزاری انتخابات موده کاری رئیس جمهور تمدید گردد. همین اکنون با چنین وضعی رو برو هستیم، در اصل این تفسیر ذاتا مشکل دارد زیرا در قانون اساسی شبیه جزیره

ای گرفته شده است تا یک عرف سیاسی از آن استنتاج شود در حالی که حل همه شمول باید تفسیر قانونی با در نظر داشت اصول عمومی و سایر ماده ها دیگر صورت گیرد

تعریف نوعیت نظام در ماده ی ۱ قانون اساسی وضاحت دارد که جمهوری نامیده می شود، در ماده ۴ حاکمیت ملی ملکیت ملت شمرده شده که خود یا به وسیله ی نمایندگان خود اعمال می کنند. در این قرارداد عنصر زمان ۵ سال است و دوام آن به جز حالتی که اضطراری باشد از وصف جمهوری بیرون شده و نقض صریح قرارداد دانسته می شود.

ماده ی ۱۴۷ قانون اساسی چنین حکم می کند "اگر دوره ی ریاست جمهوری یا دوره ی تقنینی شورای ملی در حال اضطرار پایان یابد برگزاری انتخابات جدید متوقف شده مدت کار رئیس جمهور و اعضای شورا چهار ماه دیگر تمدید می شود. اگر حالت اضطرار بیش از چهار ماه شود لویه جرگه از سوی رئیس جمهور فراخواسته می شود با پایان حالت اضطرار، پس از دو ماه، انتخابات صورت می گیرد. در این حکم به وضاحت آمده است که مدت کار رئیس جمهور و شورای ملی (فرا تر از مدت تعیین شده)، فقط در حالت اضطرار جواز دارد؛ یعنی در حالات جنگ، خطر جنگ، اغتشاش حاد، آفات طبیعی و امثالهم، در حدی که استقلال و حیات همه گانی را تهدید کند؛ مدت کار این دو نهاد انتخابی، بر اساس تقسیم اوقات مقید، فقط برای چند ماه افزایش می یابد (ماده ی ۱۴۳ قانون اساسی).

در حکم ماده ی ۱۴۷ به وضاحت آمده است، اگر حالت اضطرار افزون بر ۴ ماه می شود، رئیس جمهور، لویه جرگه را فرا بخواند. هدف از تمام این تدابیر این است که عنصر زمانی قرارداد رعایت شود. جز حالت اضطرار، رئیس جمهور به هیچ بهانه ای نمی تواند به کار خویش ادامه دهد یا شورای ملی پس از ۱ سرطان سال ۵، به کار خویش بیافزاید

از حکم فوق به وضاحت آشکار است که حکم دوام کار رئیس جمهور در سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴ خلاف قانون اساسی بود. همین گونه تمدید سه ساله ی دوره ی ۱۶ شورای ملی، نقض صریح قانون اساسی می باشد. بنابراین، نه فقط به اشتباهات گذشته استناد کنند، بلکه از نقض ها در آینده در بخش دفاع قانون اساسی و نظارت بر تطبیق آن، استفاده شود تا ثبات سیاسی داشته باشیم.

یک پرسش دیگر نیز به میان می آید که: اگر مدت کار رئیس جمهور در ۱ ماه جوزای سال ۵ به پایان می رسد، کار معاونین او نیز همزمان پایان می یابد؟

در صورت مرگ همزمان رئیس جمهور و معاون اول او، به ترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه بر اساس حکم ماده ی ۲۷ قانون اساسی، وظیفه ی رئیس جمهور را برعهده می گیرند. در این حالت ماده ۲۷ قانون اساسی مطابقت نداشته لهذا رئیس، و کابینه اهلیت این را نداشته و هم چنین مشرانو جرگه، ولسی جرگه و وزارت خارجه نیز در خلای قانونی قرار دارند و از سال ها است که در حالت سرپرست قرار دارد.

جهت تعیین معاونان، ممکن حکم بند ۱ ماده ۲۸ قانون اساسی تطبیق شود ولی غیراخلاقی خواهد بود. عاقلانه خواهد بود که از طریق یک اجماع ملی و سیاسی، راه حل حکومت سرپرست جستجو شود تا مشکل را برای ابد حل کند با چنین راه حل در ابتدا هیچ حکومتی سوه استفاده نه خواهد کرد.

#### ارزبابی سیاسی و فقدان قانون سازی در حالت و حکومت فعلی

به همان پیمانانه ای که یک نظام برای تداوم و بقای خویش به مشروعیت حقوقی و قانونی نیاز دارد قوانین نیز به بازبینی بر حسب وقت ضرورت دارد. قوانین که ضرورت وقت را ایجاد نکند مشکلات به بار می آورد که در آن وقت به حمایت سیاسی نیازمند میباشد. الخصوص کشورهای که درگیر بحران ها اند با مصلحت های سیاسی که منجر به قانون میشوند بقای نظام را تضمین می نمایند، بدبختانه قوانین افغانستان موارد برای حزب یا گروه اختلاف، حکومت سرپرست و حکومت مختلط ندارد.

فقدان این موارد در قوانین باعث شد که در سال ۱۳۹۴ بحران برخاسته از انتخابات مدیریت و حل و فصل نشود و مصلحت سیاسی به کمک آن شتافت، که در نتیجه بنا بر یک مصلحت سیاسی از طریق یک توافقنامه حکومت مختلط که آن را حکومت وحدت ملی نامیدند ایجاد گردید، اما متأسفانه مواد مهم این توافقنامه، که شامل مواردی همچون، اصلاح نظام انتخاباتی، مبارزه با فساد و حفظ اجماع سیاسی ایجاد شده بود چون پشتوانه قانونی نداشت رعایت نگردید و طرفین از فقدان قانون استفاده جوی اعظمی کردند. اقدامات ناسنجیده توافقنامه و اتخاذ سیاست های نامعقول منجر شد تا طرفین توافقنامه، منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح دهند، که در بعد داخلی کشور را با بحران سیاسی مواجه ساخته و در بعد خارجی روابط کشور با متحدین بین المللی را در بدترین حالت قرار داده است.

در ضمن حکومت وحدت ملی در تامین امنیت شهروندان کشور که از اساسی ترین وظایف و مکلفیت هایش بشمار می رود ناتوان بوده که در نتیجه رهبری ناسالم در ۵ سال گذشته بیش از پنجاه هزار نیروی امنیتی، ده ها هزار تن مردمان عام کشور شهید گردیدند و میلیونها تن دیگر آسیب پذیر شدند. که در بدل این همه قربانی گزافی که با خون فرزندان این وطن پرداخته شد، نه تنها کدام منفعت بزرگ ملی حاصل نگردید، بلکه اکثریت مناطقی را که قبلاً تحت حاکمیت و تسلط دولت بود نیز از دست رفت.

همچنان مبارزه با فساد اداری نیز رنگ سیاسی به خود گرفته، طوریکه پروسه های مالی و تدارکاتی به صورت مشکوک به انحصار گرفته شده و تمام اختیارات در یک محل مشخص متراکم و متمرکز گردیده است، موجودیت فساد در بعضی از قرار دادها با ارایه اسناد موثق، بصورت آشکار توسط رسانه ها نشر گردید و بعضی از شرکت های مشکوک دیگر که با سران حکومت روابط خانوادگی دارد، امضای قرار داد با آنها از مجرای "منبع واحد" بیانگر اراده مثبت و شفافیت لازم در پروسه نمیشد.

در تطبیق مردم سالاری هم حکومت وحدت ملی ناکام بوده از جمله انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ فاسد ترین انتخاباتی در سطح جهان بود که به بهانه اصلاحات بعد از یک وقفه ۳ ساله برگزار شد نزدیک به ۹ ماه میشود که نتایج آن نیز اعلان نه شده است و الحال تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز بصورت متواتر به تعویق انداخته شده که اراده سیاسی دولت برای برگزاری آنرا طور جدی زیر سوال میبرد.

حتی دوره کاری حکومت وحدت ملی در ۱ جوزا ختم میگردد ولی حکومت به شکل غیرقانونی میخواهد که از مجرای ستره محکمه وقت و زمان حکومت وحدت ملی را تمدید کند و آن هم در حالت که رئیس جمهور در مدت زمان کاندیداتوری خود گفته بود که دوره حکومت سابقه به پایان رسیده و تمدید آن از سوی ستره محکمه کار است غیراخلاقی و غیرقانونی شرم آور ولی حالا خود رییس جمهور با چنین حالت روبرو شده و میخواهد که از طریق همان ستره محکمه دوره تمام شده خود را بعد از ۱ جوزا تمدید کند.

در ضمن تیم حکومتی رقابت ناسالمی را در برابر رقبای انتخاباتی خویش براه انداخته، طوریکه از امکانات و نهاد های دولتی بصورت واضح در کمپاین های قبل از وقت خلاف قانون انتخابات استفاده نموده و اعضای تکت انتخاباتی خویش را خلاف تمام موازین و قوانین در تصمیم گیری های بزرگ حکومتی شامل میسازد. همچنان اشخاصی را که با استفاده از حقوق اساسی خود از کاندید دیگر حمایت میکنند از جانب رئیس جمهور عزل و سبکدوش میگردند

بدبختانه ارگ نه تنها در آوردن صلح و تامین ثبات در کشور ناکام بوده بلکه با بدترین نوع آن خلاف خواست و آرزوهای مردم با پروسه صلح و آشتی ملی که از جانب ایالات متحده امریکا با طالبان راه اندازی شده و قرار معلوم بسوی مثبت نیز در حرکت است که از طرف حکومت سبوتاژ میشود.

در سیستم های حکومتی و دموکراسی وقتیکه قانون پاسخگوی حل بحران ها نیست، مصلحت ملی و سیاسی است که مصداق عینی و تطبیقی پیدا میکند و آن را از طریق قوه مقننه قانون سازی میکنند. در این پروسه، همینطور در کشور های در حال جنگ و یا پسا جنگ، تفاهم مسالیمت آمیز قدرت از سبب فقدان قوانین ممکن نمی باشد، از این رو نخبگان در حول مصالح ملی گرد آمده و با در نظر داشت منافع ملی برای عبور از بحران به قواعد تفاهم می کنند تا ثبات سیاسی تامین شود.

با توجه به وضعیت سیاسی و امنیتی فعلی کشور نیاز است تا برای جلوگیری از فروپاشی سیاسی و امنیتی در کشور، گزینه ای را که مورد توافق همه جریان های سیاسی و مردم افغانستان باشد باید در اولویت قرار داده شود که حکومت بعد از ۱ جوزا قانونی باشد. تا زمینه برای برگزاری انتخابات مشروع، آزاد، عادلانه و شفاف در کشور و در گفتگو های صلح از کثرت نظر به وحدت نظر تقرب کنیم. تا به قطع جنگ، آتش بس و صلح دایمی با مخالفین برسیم، به مذاکره و گفتگو فعالیت بپردازد که صلح با حکومت فعلی نه می کند مواردی اند که یک حکومت سرپرست بی طرف به اجرایی کردن آنها موظف و مکلف شود که در راهکارهای ذیل پیشنهاد شده اند!

## مکانیزم ها و راهکار های مناسب برای عبور از بحران بعد از اول جوزا سال ۱۳۹۸

برای بیرون رفت بحران ۱ جوزا ۱۳۹۸ راهکار های ذیل ممد میباشد، ما همه راهکار های را که می تواند ممد در روند عبور از بحران باشد، یکی پس از دیگری بررسی و ارزیابی کردیم، برای شکل دادن حکومت سرپرست و بی طرف بعد از ۱ جوزا، سه گزینه ذیل را طرح نموده و شرایط آن تعریف نموده که حکومت سرپرست از راه انتخابات بین نامزدان ریاست جمهوری+مخالفین، رئیس جمهوری فعلی به گونه رئیس جمهوری سرپرست و رئیس مشرانو جرگه به گونه رئیس جمهوری سرپرست میباشد.

### راهکار اول همه شمول: حکومت سرپرست از راه انتخابات بین نامزدان ریاست جمهوری+مخالفین

در این روزها در افغانستان با به میان آمدن حکومت عبوری یا مؤقت در بین سیاسیون، مطبوعات، کارشناسان و حتی خارجی ها به یک بحث گرم مبدل شده است که در مباحث سیاسی بطور نادرست مطرح میشود، مطرح کنندگان در تفکیک حکومت مؤقت و سرپرست در ابهام قرار گرفته است و حالا این بسیار مهم و ضروری است که در پهلوی حکومت مؤقت فهم حکومت سرپرست عام شود و به این ملحوظ لازم است که اول حکومت مؤقت و بعداً حکومت سرپرست را تعریف کنیم.

### اول: حکومت مؤقت یا عبوری، *provisional* یا *Interim* حکومت

حکومت مؤقت وقتی به میان می آید که کاملاً در عدم موجودیت نظام قرار داشته باشیم مثلاً به وجود آمدن جغرافیه جدید یا ایجاب به وجود آمدن یک نظام کاملاً جدید به اساس سیاست یا ایدئالوجی جدید، حکومت مؤقت ایجاد می گردد، مثلاً بعد از شکست اتحاد جماهیر شوروی ایجاد حکومت مؤقت و یا بعد از تغییر حکومت طالبان به حکومت کنونی ضرورت بود که اداره یا حکومت مؤقت به وجود بیاید.

### دوم: حکومت سرپرست *Caretaker government*

حکومت سرپرست بخش قوانین بسیار دولت های دنیا است ولی بدبختانه قوانین کشور ما از این مزایا بی بهره مانده است. ضرورت حکومت سرپرست وقتی به میان می آید که حکومت های موجوده ناکام بوده و ملت بطور صلح آمیز خواهان تغییری در حکومت میشود و یا در پرتو اصل دیموکراسی در موجودیت قوه سه گانه اجرائیه، مقننه و قوه قضایه یکی از این مجراها در ارایه خدمات به مردم ضعیف و ناتوان بوده و یا در وقت و زمان معینه انتخابات آن نه شود. یا یک قوه دولت دیگر را متهم کند که نمی تواند به ملت سهولت های دولتی را مهیا کند و به طور قانونی تصمیم تبدیل انرا اتخاذ نماید. مثلاً ولسی جرگه به آرای اکثریت حکومت وحدت ملی را ملغی قرار دهد یا حکومت تصمیم اتخاذ کند که ولسی جرگه یا پارلمان را لغوه اعلان کند و یا انتخابات ولسی جرگه به وقت آن برگزار کرده نتواند. در این صورت ها ضرورت ایجاد حکومت سرپرست به میان می آید.



حالت کنونی هم به ما می آموزد که مخالفین حکومت یا طالبان هم تغییری در همه نظام را نمی خواهد و بخاطر صلح کردن خواست حکومت سرپرست از طرف مخالفین هم یک اصلیت به موقع و منطقی خواهد بود ، بخاطر اینکه تحریک طالبان و جستجو آنان زیان سیاسی قرار نگیرد و در سرنوشت سیاسی کشور دخیل باشد باید خواهان ایجاد یک حکومت سرپرست بی طرف باشد. با تاسف به حالت کنونی بخاطری رو برو هستیم که در قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور موارد حکومت سرپرست وجود ندارد به همین مطلوب در قانون اساسی خلا به وجود آمده، در زمانی که قانون اساسی را تدوین می کردند ، نمیخواستند که ملت این توانای را داشته باشد که در صورت ناتوانی در هر سه قوه یکی از آنها را بطور صلح امیز تغییر کنند ، به همین ملحوظ از این بند در مواد قانون جلوگیری گردیده است که از این حالت حکومت ها به نفع خود و زیان ملت استفاده کرده است و بالاخره تا این سرحد رسید که بعضی ها به قسم غیرقانونی خواست حکومت مؤقت از آغاز حکومت وحدت ملی را به پیش گرفته اند که به هیچ وجه مورد قبول مردم نمی باشد.

همین اکنون که در جریان نوشتن همین متن هستیم حکومت بخاطر صلح کدام برنامه خاص ندارد به همین لحاظ است که جرگه مشورتی صلح و نشست های دیگر به شمولیت هزاران اشخاص از پیش تعیین شده که اغراض کمپاین انتخاباتی داشته و مردم در این جرگه فراخوانده شده اند. به خاطر پیش برد مذاکرات قطر نام های افراد متفاوت به خاطر پیش برد مذاکرات صلح در قطر بنا بر منافع افراد و گروهها این روند گفتگو صلح را سبوتاژ کرد.

صلح کار غنی، خلیلزاد، طالبان و یا شورا های از این طرفین است. ولی حکومت به همین منظور با استفاده از موقع به نام جرگه مشورتی صلح نزدیک ۴ صد میلیون افغانی مصارف کرد. و در ادارات و نشست های دیگر به نام صلح چندین میلیارد افغانی از بیت المال را به تاراج برده است. آن هم در حالی که ۶۰٪ از مردم ما تحت فقر و بیچارگی زندگی میکنند و متباقی از مردم در شرایط ناگوار جنگی و بعضی هم زیر تهدید حوادث طبعی به سر میبرند.

بخاطری بیرون رفت از چنین وضعیت ناگوار و رسیدن به صلح سیاسیون و ملت هر چه زود تر باید خواهان حکومت سرپرست شده و خواهان تغییری قوانین شود که اگر هر گاه کدام حکومت ضعیف و ناتوان باشد که ملت بتواند آنرا به شکل قانونی و صلح آمیز آن تبدیل کند که این روش برای همیشه از آمدن حکومت نارسا و ضعیف جلوگیری میکند. تیم انتخاباتی مسولیت و عدالت برای آبادی و خیر و فلاح کشور با راهنما ذیل حکومت سرپرست را ارایه می کند.

از بارگاه ایزد متعال تمنا داریم که این حالت را دوباره در کشور مستقر نسازد ولی برای بیرون رفتن از حالت کنونی لازم است تا حکومت سرپرست تجربه شود و حکومت فعلی باید از طریق یک فرمان تقنینی زمینه یک حکومت سرپرست را مهیا سازد و از مخالفین هم بخواهد که در این پروسه سهیم شوند تا این روند همه شمول شود، ولی از این حکومت خود خواه و خود غرض این هم توقع نمی رود که برای منافع ملت این چنین کار را انجام دهد. حالا ضروری است که ملت و ملت پرستان این خواست را مطرح کند. به مخالفین دولت هم پیشها کند که در این حکومت سهم بگیرند و یک یا چند تن را برای این حکومت با شرایط خود نامزد کند. در نتیجه انتخابات شفاف انتقال قدرت صورت گیرد و در روشنای این شیوه تغییری در قانون اساسی در حکومت های آینده آورده شود.

بعضی از کشورها که دیموکراسی و سیستم قوه سه گانه را تجربه میکنند و برای حکومت سرپرست قوانین دارند که باید ما در روشنای ان قوانین و تجارب آنها در این عرصه استفاده کنیم که هم به مخالفین دولت قابل قبول باشد و هم بتواند برای برگزاری انتخابات تخنیکی و شفاف زمینه را مساعد کند.

برای دستیابی به این مطلوب اگر از روش های دشوار و مصارف گزاف میگذریم، کوتاهترین راه حل این است که از میان ۱۸ کاندیدای ریاست جمهوری که یک یا چند تن به شرایط آنان از مخالفین دولت یا طالبان هم در آن افزوده شود از میان این ۱۹ یا زیادتر نامزدان در انتخابات ذات البینی یکتن به حیث رئیس جمهور سرپرست تعیین شود و صلاحیت برایش داده شود که کابینه ۱۰ یا ۱۵ نفری رادر چوکات حکومت فعلی ایجاد کند که کار های ضروری روزمره را پیش ببرد و بدون پروسه انتخابات دیگر پروژه های انکشافی متوقف گردد هر کس که به پست حکومت سرپرست انتخاب شدد به انتخابات سال ۱۳۹۸ کاندید شده نمی تواند.

باقی ۱۸ نامزدان ریاست جمهوری به مصابه جرگه مشورتی تا حد مشوره و همکاری کنند. حکومت سرپرست انتخابات شفاف رادر خلال ۳-۶ ماه برگزار کند و به شکل صلح امیز قدرت را به حکومت منتخب بسپارد که به شکل حزب حاکم دولت داری را به پیش میبرد و در مقابل آن یک حزب قوی مخالف یا اپوزیسیون را از نامزد دوم در انتخابات به وجود بیاورند که از اعمال حکومت نظارت کند از حکومت مختلط مانند حکومت وحدت ملی کنونی تا به میان آمدن قوانین آن جداً جلوگیری شود.

در آینده همچنان برای حکومت سرپرست ما یک راه دیگر قانونی داشته میتوانیم، حال ختم مدت کاری ریس جمهور ۱ جوزا، و ختم مدت کاری برای شورا ملی اول سرطان تعیین گردیده، که فقط ۳۰ روز تفاوت دارد، اگر ختم مدت کاری شورا ملی اول سنبه تعیین شود، این مدت ۹۰ روز فرصت خواهند داد، اگر حکومت وقت نتواند انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند، پس مطابق حکم ماده ۲۷ قانون اساسی یکی از روسا شورا

ملی باید سرپرست تعیین گردد، و یگانه وظیفه شان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتقال قدرت به رئیس جمهور منتخب خواهد بود.

### فواید این راهکار

1. اگر رئیس جمهور غنی از قدرت غیر قانونی ۲ ماهه بگذرد قهرمان صلح، حکومتداری خوب و احترام به قوانین خواهد شد.
۲. حکومت سرپرست قانونی خواهد شد و برای همیشه در وقت انتخابات برای تبدیل حکومت های ناتوان، یک راه حل صلح آمیز خواهد بود.
۳. بودیجه ملی در کمپاین های انتخاباتی از طرف حکومت های غیر قانونی و نامشروع مصون خواهد شد.
۴. از خوف حکومت سرپرست، در حکومت ها، لهذا فعالیت های غیر قانونی از بین خواهد رفت و احترام به قانون عملی خواهد شد.
۵. حرمت، حیثیت و جایگاه ستره محکمه و تمام ادارات زیربط دیگر به جای خواهد ماند و دیگر از آنها حکومت های وقت سوء استفاده نخواهند کرد.
۶. هیچ قوه حکومت، کوشش خلاف منافع ملی نخواهد کرد.

### تقایص این راهکار

- 1 - قبول این راهکار به حکومت موجوده دشوار خواهد بود، که تلاش بیشتتری روشنفکران، سیاسیون و ملت را می طلبد.

### راهکار دوم: ریس جمهوری فعلی به گونه رئیس جمهوری سرپرست

تیم های انتخاباتی دیگر پیشنهاد میکنند که رئیس جمهور فعلی ریاست حکومت سرپرست را به عهده گیرد و از نامزدی ریاست جمهوری ۱۳۹۸ استعفا دهد. در این راهکار رئیس جمهور فعلی با حفظ موقف اش رئیس حکومت سرپرست فعلی، از برگزاری انتخابات شفاف روند انتقال مسالمت آمیز قدرت و روند صلح قرار گرفته و امور محوله را به پیش خواهند برد. در این صورت رهبران حکومت با حضور سران سیاسی، نماینده گان سازمان ملل متحد، سران کشور های کمک کننده که حضور سیاسی دارند از کاندیداتوری ریاست جمهوری

استعفا داده و متوسل به همکاری نامزدان ریاست جمهوری به ایجاد د و شورا که عبارت اند از شورای انتخاباتی و سیاسی و دیگر آن شورا نظارت از عملکرد حکومت و روند ملی مصالحه با طالبان خواهد بود. بدون تردید این امر افغانستان را از بحران به ثبات سوق خواهد داد.

یک بار دیگر تاکید میکنم که به اساس حکم قانون اساسی کشور عمر حکومت کنونی در ۱ جوزای سال ۱۳۹۸ به پایان میرسد و ادامه کار حکومت موجود از آن تاریخ به بعد مشروعیت سیاسی، حقوقی، قانونی و مصلحتی ندارد. بنابر این لازم است در این فرصت باتوجه به ایجابات ملی سران حکومت به خواست های ملت تمکین کرده حکومت سرپرست را اداره کند و با انصراف از نامزادی ریاست جمهوری از انحلال حکومت جلوگیری کنند.

### فواید این راهکار

- 1- رئیس جمهور قهرمان ملی صلح، احترام به قوانین و حکومت داری بهتر خواهد شد.
- 2- قانون را رئیس جمهور عملی کرده می باشد.

### نقایص این راهکار

- 1- حکومت سرپرست که غنی در راس آن باشد مخالفین با آن صلح نخواهد کرد، هم اکنون آنان با حکومت غنی گفتگو نه می کنند.
- 2- حکومت غیر قانونی غنی، ناقابل قبول سیاسیون و بحران افزار خواهد بود.
- 3- زیرپا کردن قانون از جانب رئیس جمهور خواهد بود.

### راهکار سوم: رئیس مشرانو جرگه به گونه رئیس جمهوری سرپرست

بطور حقوقی و سیاسی دوره کاری حکومت بر اساس حکم صریح ماده ۲۱ قانون اساسی در ۱ جوزا سال ۵ ختم می گردد. بعضی از تیم های دیگر انتخاباتی پیشنهاد می کنند، که بنابر مصلحت انقباس از قانون اساسی بستر انتقال سیاسی مساعد گردد. اگر از بند ۲ ماده ۲۸ قانون اساسی انقباس مصلحتی نمایم بعد از ۱ جوزا ایجاب می کند که قدرت باتوجه به تکمیل نبودن نصاب مجلس سنا به رئیس ولسی جرگه شورای ملی انتقال و رئیس ولسی جرگه مطابق به احکام صریح قانون، برگزاری انتخابات سالم و شفاف ریاست جمهوری مساعد کند.

رئیس جرگه مطابق به ماده ۲۷ قانون اساسی وظیفه رئیس جمهور سرپرست را به عهده می گیرد. از طرف دیگر بر اساس مصلحت ملی روند صلح، حکومت و انتخابات را به ایجاد شورای رهبری که از سیاسیون و نخبگان

متشکل باشد از عملکرد حکومت سرپرست و کار کرده گی رئیس جمهور سرپرست نظارت کرده و از کارکرد هایش مطابق به وظایف محوله، ماه دو مرتبه برای ملت گزارش می دهد.

انتقال مسولیت از سران حکومت و حدت ملی به رئیس جدید حکومت پیش از ۱ جوزا بشکل مسالیمت آمیز صورت می گیرد. رئیس جدید حکومت بارعایت بند ۱ ماده ۲۶ قانون اساسی صلاحیت مندرج ماده شصت هفتم (۲۷) قانون اساسی را اعمال میکند.

رئیس جدید حکومت بتاسی از بند ۳ ماده ۲۷ قانون اساسی، انتخابات را در زمان تعیین شده برگزار می کند. هرگونه تعلل و مسامحه در امر برگزاری انتخابات در زمان معینه آن غیر قابل قبول برای ملت بوده و موجب عزل رئیس سرپرست و مواخذة رئیس جدید از جانب اعضای شورای رهبری خواهد شد.

### فوائد این راهکار

1- اگر ریس جمهور غنی از حکومت ۶ ماه تمدید شده از طرف ستره محکمه منصرف شود، قهرمان صلح، دیموکراسی و ترقی خواهد شد.

### تقایص این راهکار

1- امکان دارد که مخالفین با رئیس مشرانو جرگه بطور ریس جمهور صلح نه کند.  
2- در حالی که شورای ملی انتصابی بوده این گزینه نیز مشکلات قانونی نخواهد داشت.

خلورمه تگلاره: ولسمشری نوماندانو سربیره د گوندونو، مدني ټولنو او نامتو کسانو څخه ځایناستی حکومت

ځینې نورې ډلې وایي چې له حقوقي پلوه د حکومت وخت د اساسي قانون ۲۱ مادې پر بنسټ پنځه کلنه دوره د غبرگولي په ۱ نېټه پای ته رسېږي. دوی وړاندیز کوي چې د ولسمشرۍ نوماندان چې له خپلې راتلونکې نوماندۍ تېر شي ورسره سیاسي او مدني جوړښتونه وړ کسان د ځایناستي ولسمشر لپاره ونوموي او رایه ورکونکي د ولسمشرۍ نوماندان او د اړوندو جوړښتونو مشران یا له دوی څخه یوه ډله وي. دغه ډله غواړي چې په هر ډول وي د ملي یووالي حکومت پای ومومي که پایله کې یې هر وړ یا ناوړ کس واک ته رسېږي د دوی لپاره اړینه نه ده. ددې لپاره دوی غواړي چې د ځایناستي حکومت راوستلو لپاره له هرې وسیلې کار واخلي چې ډېری د ځان ملگري کړي. نو ځکه وایي چې گوندونه، مدني ټولني، نامتو کسان، د ولسمشرۍ له ۱۸ نوماندانو سره یوځای ځانونه ځایناستي ولسمشر لپاره نومولی شي. که داسې وشي د ځایناستي ولسمشرۍ هیلمنو نوماندانو شمېر به سلگونو ته ورسېږي چې یوې انارشي او گډوډۍ ته به لاره پرانیزي. سره لدې چې دغه

تگلاره په بشپړ ډول د نوماندانو ترمنځ د بې باورۍ، پرځان د نه باور او نه همکارۍ ترجماني کوي خو دوی د ولسمشرۍ نوماندانو د شورا په نوم گواښ کوي چې که د ملي يووالي حکومت د غبرگولي له ۱ نېټې څخه وروسته خپل غیرقانوني کار ته دوام ورکړي پرواندي به يې غبرگون وښيي.

### د دې تگلارې گټې

1- که عملي شي دې تگلاره کې به ډېری برخه ولري.

### د دې تگلارې زیانونه

1- راتلول، په یوه تگلاره سره جوړېدل به ډېر وخت او سرچینو ته اړتیا ولري چې دا بهیر به له ستونزو سره مخ کړي.

2- کېدای شي بهیر له گډوډیو سره مخ شي.

3- یو ناوړه کس کېدای شي واک ته ورسېږي.

## چرا حکومت سرپرست در افغانستان ؟

افغانستان به یک حکومت سرپرست ضرورت دارد که در انتخابات بیطرفی کامل حکومت ثابت باشد و در انتخابات از صلاحیت ها نفوذ قدرت و دارای عامه استفاده سو نگردهد، در ضمن تیم حکومتی رقابت ناسالمی را در برابر رقبای انتخاباتی خویش به راه بیاندازد، فعلا دیده میشود که از امکانات و نهاد های دولتی بصورت واضح در کمپاین های قبل از وقت خلاف قانون انتخابات استفاده نموده و اعضای تکت انتخاباتی خویش را خلاف تمام موازین و قوانین در تصمیم گیری های بزرگ حکومتی شامل میسازد. همچنان اشخاصی را که با استفاده از حقوق اساسی خود از کاندید دیگر حمایت میکنند از جانب رئیس جمهور عزل میگردند. بر علاوه این بنا بر موارد ذیل حکومت سرپرست لازم است.

۱- با حکومت فعلی مخالفین حکومت صلح نمی کند، اگر صلح نشود در کشور امنیت و ترقی نه می آید.

۲- در ۱ جوزا حکومت با مشکلات حقوقی، سیاسی، و قانونی روبرو میشوند و ثبات سیاسی با خطرات مواجه میشود، و قتیکه ثبات سیاسی نباشد صلح و امنیت نه میباشد و در فقدان این ترقی ممکن نیست.

۳- بانا قانونی بودن حکومت وحدت ملی با پیامد های بد پیاپی به اصول دیموکراسی آسیب بسا فراوان رسانده و ملت افغانستان را به مخاطره انداخته است.

۴- حالت غیر قانونی حکومت و برخورد دیکتاتورانه شان حکومت را وادار میسازند که بقای خویش را در حات اضطرار جستجو کند اصول دیموکراسی را زیر پا کرده و دشمنان از این موقع به نفع خود استفاده خواهند کرد و حالات را از این هم بد تر خواهند کرد.

۵- حکومت نه تنها در آوردن صلح صادق نبوده بلکه تلاش مینماید برخلاف خواسته اکثریت قاطع مردم افغانستان مبنی بر تحکیم صلح و ثبات این پروسه بزرگ ملی را سبوتاژ و خنثی نماید، کلمات هم چون صلح دایمی و باعزت علیه روند صلح را به کار میبرند تا این روند تخریب شود.

۶- صلح و امنیت بعد از چهار دهه جنگ، در پرتو ارزش های ملی و دیموکراتیک از آرزو های دیرینه و برحق مردم افغانستان می باشد که فقط از راه انتخابات شفاف ممکن است تا مشروعیت و قانونیت برآورده شود. انتخابات شفاف بمنظور بقای نظام جمهوری و دوام دموکراسی برای ملت سربلند ما، اصلیت اجتناب ناپذیر.

۷- وضعیت نامناسب سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی کشور، معرف و مبین عملکرد زشت و ویرانگر حکومت وحدت ملی می باشد.

۸- در بخش دفاعی و امنیتی، ضعف رهبری سبب بیشتر شدن تلفات و از دست رفتن مناطق تحت تسلط حکومت گردیده که به مخالیفی ندادخلی کشور افزوده است و جوابگوی تهدیدات بیرونی نبوده.

۹- بیشتراز ۷۰٪ موارد نقض قانون اساسی در حکومت وحدت ملی صورت گرفته که بر اساس راپور انجمن حقوقدانان از ۱۲۲ ماده این قانون ۹۴ ماده آن نقض گردیده که عمده ترین موارد آن متوجه رئیس جمهور میباشد.

۱۰- حفظ حکومت در راستای مبارزه علیه فساد ناکام بوده است که در نتیجه افغانستان رابه یکی از فاسد ترین کشورهای جهان مبدل کرده است که ترقی و تجارت را به خطرات اعظمی روبرو کردیده است.

۱۱- حکومت وحدت ملی فعلی برمبنای یک مصلحت سیاسی جداگانه توسط توافقنامه سیاسی میان دوتن تحت نظارت جهانیان بمیان آمده که به ۱ جوزا ۱۳۹۸ آن توافقنامه سیاسی نیز باطل میباشد و از روز اول این حکومت نیز یک نوع حکومت سرپرست بوده است که موارد قانونی داشت و نه خواست با توجه به انتخابات پارلمانی گذشته و تاخیر در انتخابات ریاست جمهوری پیشرو، توان و اراده سیاسی حکومت در برگزاری انتخابات آینده ریاست جمهوری هر دو زیر سوال میباشد و این حکومت نه میتواند انتخابات شفاف را مدیریت کند، انتخابات پارلمان را در ۵ سال نتواند و انتخابات ریاست جمهوری را نیز نه میتواند.

۱۲- بدون شک عوامل کلیدی دیگر که در پررنگ ساختن وضعیت نامناسب و بحران ساز کنونی نقش داشته است، سیاست های عوام فریبانه و تحرکات مشکوک و پرشش برانگیز حکومت وحدت ملی است، که ملت و نظام سیاسی کشور در شرف تهدید قرار دارد.

۱۳- در قانون اساسی کشور ختم دوره ریاست جمهوری تاریخ ۱ جوزا بوده و تنها در حالت اضطرار با در نظر داشت و رعایت مواد قانون اساسی که محدود و پا سخگو این حالت نیست، گذشتن ازین حالت ایجاب مصلحت سیاسی میکند که فقط در یک چارچوب حکومت سرپرست ممکن است و بس.

با توجه به نتیجه گیری فوق، حکومت فعلی برای تداوم کار خود هیچ گونه توجیه حقوقی و سیاسی نداشته و در ضمن اجماع ملی و سیاسی هم طوری شکل یافته که باید جای خود را به تشکیل جدید واگذار نماید لهذا پیشنهادات ما چنین است .

از همین حالا به تاریخ ۱ جوزا آمادگی گرفته شود، رئیس جمهور و معاونین اش باید با در نظر داشت احکام قانون اساسی و بادرک واقعیت ها به سطح ملی مبنی بر اینکه دیگر کسی ادامه کارشان را نمی خواهند، ختم دوره کاری خویش را اعلان نمایند در صورتیکه رئیس جمهور فعلی و معاونین اش برخلاف حکم قانون اساسی به کار خویش ادامه بدهند، در آنصورت باید مانند حکومت وحدت ملی به اساس یک توافق و اجماع نسبتاً وسیع سیاسی دوره حکومت سرپرست ایجاد گردد. آن حکومت در کنار تنظیم امور دو وظیفه مهم، مذاکره با طالبان و برگزاری انتخابات را انجام خواهد داد.

دیده میشود که حکومت به نحوی با رویکرد های استبداد مانع انتقال سیاسی و گزار مسالیمت آمیز قدرت بوده و معبرهای دموکراتیک انتقال را قسماً مغشوش کرده است و تلاش می نماید که از ناکامی های حکومت گذشته نیز استفاده کند و وقت کاری حکومت از جانب ستره محکمه بعدی غیرقانونی را تمدید می نماید. رئیس جمهور و کیل ملت است و و حق تمدید کالت آن را غیر از موکلین وی کسی دیگری ندارد.

از جانب دیگر هرگونه تلاش به هر بهانه که بمنظور دوام غیر قانونی تیم حاکم در قدرت باشد، امرئیسست مردود و سلامت نظام و ماهیت دموکراسی جوان افغانستان را سخت آسیب خواهد زد. بنابراین برای عبور از بحران حکومت سرپرست است.

نامزدان ریاست جمهوری میتوانند با راهکارهای مناسب فوق الذکر ملت را از بحران کنونی نجات دهند و این راهکار مخالفت ها را از بین برده و صلح برقرار گردد و این امر با اراده ملی و حمایت ملت نیاز جدی دارد به همین ملحوظ لازم است که به راه حل منطقی و قانونی تمرکز گردد که قابل قبول ملت هم باشد و همه جوانب در آن به نوع دخیل باشد.

### **خطرات در ماندن این حالت**

با حکومت فعلی مخالفین حکومت صلح نه می کند، اگر صلح نشود در کشور امنیت و ترقی نه می آید، از همین رو جنگ دوام می کند و افغان ها متحمل زیان بیشتر میشوند.



در پرتو نتایج تحقیقات، پیشنهادات و حالات، اسانترین، نزدیکترین به قانون و راه سرعتی بیرون رفت از بحران بطور یک شخصت باسواد، فهمیده و متفکر از رئیس جمهور غنی آرزو میشود که تاریخ گذشته نادرست را تکرار نه کند و ذریعه یک فرمان تقنینی سرپرست حکومت خود شود یا از راه انتخابات بی جنجال بین نامزدان ریاست جمهوری، یک تن رابطور سرپرست حکومت انتخاب نماید و نامزدان باقی برای نظارت از برگزاری انتخابات شفاف ریاست جمهوری و حکومت سرپرست شورای رهبری از نامزدان فعلی ریاست جمهوری تشکیل شود، اگر رئیس جمهور غنی از قدرت حکومت غیرقانونی ۲ ماه بگذرد در نتیجه قهرمان صلحه، دیموکراسی و احترام به قانونی خواهد شد.